نور خوزستان

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی صبح خوزستان

صاحب امتیاز: سیدمحمدطاهر موسوی زاده / مدیرمسئول و سردبیر: حسین حسین نژادیان / دبیرصفحات: محمد کاظم حاج سردار

نشانی: اهواز، امانیه، خیابان انقلاب، بین سقراط و دزکوچه رشیدی پلاک ۸ - مجتمع مطبوعاتی نور تلفن: ۴-۳۳۳۶۳۶۹۳ و ۲-۳۳۳۳۰۳۳۱

نمابر: ۳۳۳۶۳۶۹۱ /کدپستی: ۶۱۳۳۸۶۳۷۴۳ / واتس اپ: ۰۹۳۷۳۲۹۳۵۶۹

آیین نامه اخلاق حرفه ای: آیین_ نامه _اخلاق_ حرفه ای/www.NoorDaily.ir لیتوگرافی و چاپ: نشر فرهنگ اهواز

نور خوزستان آنلاین: www.NoorDaily.ir روابط عمومی: NoorDaily@yahoo.com

اذان صبح فردا: ۵:۱۷ طلوع: ۶:۳۹ اذان ظهر: ۱۱:۵۹ غروب آفتاب: ۱۷:۲۰ اذان مغرب: ۱۷:۳۸ نیمه شب: ۲۳:۱۸

بهبهان	۷-دقیقه	ماهشهر، بندرامام	۲/۱۵-دقیقه	خرمشهر و جزیره مینو	۲ + دقیقه
ایذه	۴-دقیقه	رامشیر، نفت سفید	۲-دقیقه	بستان	۲/۵ + دقیقه
باغملک، هندیجان، هفتکل، امیدیه، آغاجاری	۳/۵-دقیقه	لالی	۱/۵-دقیقه	هویزه، اندیمشک، دزفول	۲ + دقیقه
رامهرمز، اندیکا	۳-دقیقه	شوشتر، شادگان	۱-دقیقه	شوش دانیال، آبادان، سوسنگرد	۱/۵ + دقیقه
مسجدسلیمان	۲/۵-دقیقه	گتوند، ملاثانی	۰/۵-دقیقه	حمیدیه، سردشت دزفول	۰/۵ + دقیقه

باب المندب؛ اهرم انصارالله برای تثبیت قدرت در معادلات منطقه‌ای



باب المندب برای انصارالله اهرمی برای تثبیت موقعیت سیاسی خود در یمن در مقام یک بازیگر موثر منطقه ای و جهانی است.

به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری تسنیم، تحولات اخیر در دریای سرخ نشان می‌دهد که انصارالله در حال تبدیل موقعیت ژئوپلیتیکی یمن به اهرمی برای تثبیت قدرت سیاسی و تحمیل واقعیت جدید به بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی است. آنچه امروز در باب المندب جریان دارد، صرفا استفاده نظامی از یک موقعیت جغرافیایی یا ایجاد محدودیت برای کشتی‌های متعلق به کشورهای متخاصم نیست؛ بلکه بخشی از تلاش انصارالله برای تبدیل ظرفیت‌های میدانی خود به نفوذی پایدار در معادلات امنیتی و اقتصادی منطقه است. در واقع، این جنبش می‌کوشد جایگاه خود را از سطح یک بازیگر اصلی در تحولات داخلی یمن فراتر برده و به نیرویی تبدیل کند که تصمیمات و ملاحظات آن در یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های تجارت جهانی قابل چشم پوشی نباشد.

گزارش اخیر وال استریت ژورنال درباره ارتباط گیری شرکت‌های کشتیرانی با انصارالله برای عبور از باب المندب، نشانه‌ای از این روند است. بر اساس این گزارش، مرکز هماهنگی عملیات بشردوستانه (HOCC) که از سوی انصارالله ایجاد شده، به کانال ارتباطی میان این جنبش و شرکت‌های کشتیرانی بین المللی تبدیل شده است. کشتی‌های متقاضی عبور می‌توانند درخواست‌های خود را به این مرکز ارسال کنند و پس از بررسی اطلاعات مربوط به شناور و اطمینان از عدم ارتباط آن با آمریکا، اسرائیل، انگلیس و عربستان، مجوز عبور دریافت کنند.

گزارش وال استریت ژورنال همچنین از مواردی خبر می‌دهد که شرکت‌های کشتیرانی پیش از ورود کشتی‌های خود به منطقه، برای اطمینان از وضعیت عبور با این مرکز مکاتبه کرده‌اند.

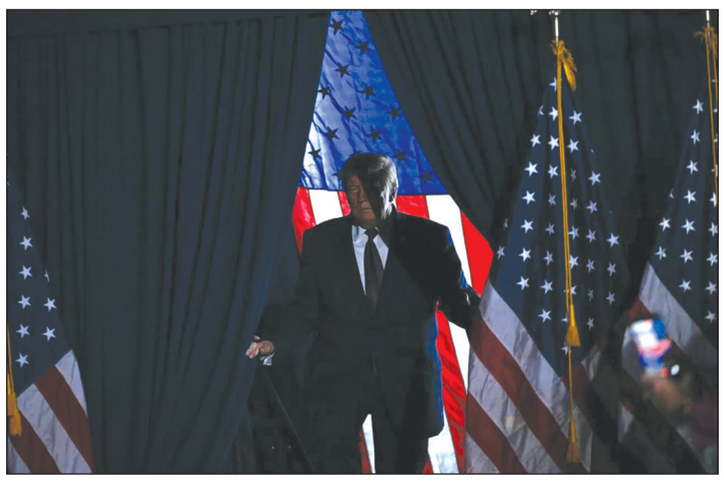
اهمیت این تحول در شکل گیری یک سازوکار ارتباطی و عملیاتی است که از طریق آن، مواضع انصارالله مستقیما در محاسبات شرکت‌های فعال در صنعت کشتیرانی وارد می‌شود. این شرکت‌ها برای کاهش ریسک عبور از منطقه، اطلاعات کشتی‌های خود را ارائه می‌کنند و درباره شرایط تردد از نهادی وابسته به انصارالله استعلام می‌گیرند. به این ترتیب، تصمیمات این جنبش دیگر صرفا در میدان نبرد یا در چارچوب تحولات سیاسی یمن اثرگذار نیست، بلکه به بخشی از محاسبات عملیاتی فعالان اقتصادی و تجاری بین‌المللی تبدیل شده است.

این سازوکار در شرایطی شکل گرفته که انصارالله طی ماه‌های گذشته با پیشروی در مناطق ساحلی مشرف به باب‌المندب، موقعیت میدانی خود را در این منطقه تقویت کرده است. پیوند میان این موقعیت و ایجاد کانال ارتباطی با شرکت‌های کشتیرانی، به این جنبش امکان می‌دهد از ظرفیت جغرافیایی یمن فراتر از یک ابزار نظامی بهره برداری کند. باب‌المندب به دلیل قرار گرفتن در مسیر ارتباط دریایی میان آسیا، اروپا و آفریقا و نقش آن در انتقال انرژی و تجارت جهانی، از اهمیتی برخوردار است که هرگونه تحول در وضعیت آن می‌تواند بر محاسبات قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اثر بگذارد.در کنار این تحول، گزارش وزارت حمل و نقل دولت صنعا درباره میزان تردد کشتی‌های تجاری از باب‌المندب در ماه اکتبر نیز قابل توجه است. این وزارتخانه اعلام کرده که طی ماه گذشته میلادی، ۱۰۸۳ کشتی تجاری از این آبراه عبور کرده‌اند. بر اساس آمار منتشر شده، ۵۵۰ کشتی به سمت شمال و ۵۳۳ کشتی به سمت جنوب حرکت کرده‌اند. همچنین در سه بازه زمانی ده روزه این ماه، به ترتیب ۳۷۰، ۳۷۳ و ۳۴۰ عبور ثبت شده است. وزارت حمل و نقل صنعا با استناد به این آمار، از تداوم تردد دریایی و نبود توقف در عبور کشتی‌های تجاری خبر داده و امنیت عبور شناورهای بین المللی را به استثنای کشتی‌های متعلق به عربستان مورد تاکید قرار داده است.انتشار منظم این آمار را باید در چارچوب تلاش دولت صنعا برای نمایش ظرفیت‌های مدیریتی و اجرایی خود در باب‌المندب ارزیابی کرد. اعلام تعداد کشتی‌های عبوری و تفکیک مسیر حرکت آنها، صرفا اطلاع رسانی درباره وضعیت تردد نیست؛ بلکه نشان می دهد که انصارالله می‌خواهد توانایی رصد و اثرگذاری بر تحولات این گذرگاه را نیز به عنوان بخشی از ظرفیت حکمرانی خود به نمایش بگذارد. در این میان، تداوم عبور کشتی‌های تجاری نیز با سیاست اعلام شده انصارالله منافاتی ندارد. هدف، توقف عمومی تردد دریایی نیست، بلکه ایجاد تمایز میان کشتی‌های متعلق به طرف‌های هدف و سایر شناورها و اعمال محدودیت‌های هدفمند علیه طرف‌های متخاصم است.

بنابراین، عبور بیش از هزار کشتی در یک ماه را نمی‌توان به معنای بی اثر بودن سیاست دریایی انصارالله دانست؛ همان طور که این آمار به تنهایی میزان اثرگذاری محدودیت‌ها بر تجارت و انتقال انرژی را مشخص نمی‌کند.از منظر سیاسی، این تحولات در امتداد تلاش چندساله انصارالله برای تثبیت جایگاه خود به عنوان قدرت اصلی در یمن قرار دارد. ائتلاف سعودی و حامیان غربی آن طی سال‌های گذشته کوشیده‌اند با فشار نظامی، اقتصادی و سیاسی، موقعیت دولت مستقر در صنعا را تضعیف کنند و مانع از تثبیت نظم سیاسی جدید در یمن شوند.

با این حال، انصارالله نه تنها توانسته است موقعیت خود را حفظ کند، بلکه اکنون از ظرفیت‌های جغرافیایی و راهبردی کشور برای افزایش وزن خود در معادلات فراتر از مرزهای یمن بهره می‌گیرد.

از غزه تا هرمز؛ چگونه جنگ طلبی کاخ سفید به سونامی سیاسی در آمریکا تبدیل شد؟



جنگ‌های بی‌پایان آمریکا در خاورمیانه، از جنگ غزه در سایه حمایت واشنگتن از ماشین جنگی اسرائیل تا تجاوز نظامی علیه ایران، هزینه‌هایی فراتر از میدان‌های نبرد بر جای گذاشتند؛ هزینه‌هایی که با افزایش نارضایتی عمومی و فشار اقتصادی، سرانجام در انتخابات میان‌دوره‌ای به سونامی شکست جمهوری‌خواهان انجامید و صورتحساب سیاست جنگ‌طلبانه کاخ سفید را پیش روی دونالد ترامپ و حزبش گذاشت.

به گزارش ایرنا، شکست سنگین ترامپ و جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در سوم نوامبر(۱۲ آبان)، این پرسش را مطرح کرده است که جنگ‌های واشنگتن در خاورمیانه چگونه از میدان‌های نبرد فراتر رفتند و به هزینه‌ای سیاسی برای کاخ سفید و زلزله‌ای سیاسی در قلب آمریکا تبدیل شدند؟

نخست، جنگ ویرانگر غزه و حمایت سیاسی و نظامی دولت آمریکا از ماشین جنگی اسرائیل، به تغییر نگرش افکار عمومی این کشور نسبت به تل آویو دامن زد و سپس، جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران و بسته شدن تنگه هرمز از سوی تهران، پیامدهای این سیاست را به زندگی روزمره آمریکایی‌ها کشاند؛ از افزایش نگرانی درباره قیمت بنزین و هزینه‌های زندگی تا دغدغه امنیت نیروهای آمریکایی و تردید درباره دستاوردهای نظامی جنگ.

به این ترتیب، پیامدهای جنگ افروزی های آمریکا در خاورمیانه از مرزهای منطقه عبور کرد و به یکی از عوامل موثر در ارزیابی عملکرد دولت ترامپ از سوی رای‌دهندگان و همه پرسی علیه او دولتش تبدیل شد.

نظرسنجی‌های مراکز پژوهشی و گزارش‌های رسانه‌های آمریکایی ابعاد مختلف این هزینه سیاسی را چنین نشان می‌دهند: افزایش مخالفت با اسرائیل در افکار عمومی آمریکا، مخالفت گسترده با جنگ علیه ایران، نگرانی از تبعات اقتصادی بحران در تنگه هرمز یا همان «اشغالگری» واشنگتن که ترامپ به آن اعتراف دارد، و نارضایتی از هزینه‌های جنگ طلبی و مداخلات نظامی آمریکا.

این داده‌ها در کنار تحلیل اختلاف‌نظرها درباره سیاست خارجی ترامپ، تصویری از فشارهای انباشته‌ای ارائه می‌کنند که در نهایت در انتخابات میان‌دوره‌ای و شکست جمهوری‌خواهان بازتاب یافت.

جنگ چگونه از خاورمیانه به قلب سیاست آمریکا رسید؟

ویلیام گالستون پژوهشگر ارشد موسسه بروکینگز، در مقاله تحلیلی خود با عنوان «پیامدهای سیاسی جنگ ایران» که در هشتم ژوئن ۲۰۲۶ منتشر شده، جنگ علیه ایران را عاملی برای کاهش محبوبیت ترامپ، افزایش فشار اقتصادی و آشکار شدن شکاف در ائتلاف جمهوری‌خواهان معرفی می کند.

گالستون با استناد به نظرسنجی‌های افکار عمومی می‌نویسد مخالفت با جنگ از همان هفته‌های نخست آغاز شد و در ادامه افزایش یافت. بر اساس ارزیابی او، جنگ علاوه بر تاثیر منفی بر هزینه زندگی، اعتبار بین‌المللی و امنیت ملی ایالات متحده، اختلاف میان جمهوری‌خواهان طرفدار مداخله نظامی و جریان مخالف جنگ‌های پرهزینه را نیز تشدید کرده است.

این تحلیل با یافته‌های مرکز پژوهشی پیو نیز همخوانی دارد. این مرکز در نظرسنجی هشتم اکتبر ۲۰۲۶ اعلام کرد ۶۵ درصد آمریکایی‌ها از نحوه جنگ علیه ایران توسط ترامپ ناراضی‌اند و تنها ۳۳ درصد از عملکرد او حمایت می کنند. همچنین ۵۲ درصد نسبت به تحقق اهداف اعلام شده دولت در جنگ اطمینان چندانی ندارند یا اصلا اطمینان ندارند.

نکته مهم این نظرسنجی آن است که مخالفت با جنگ فقط به دموکرات‌ها محدود نمانده و نگرش منفی در میان جمهوری‌خواهان و مستقل‌ها نیز افزایش یافته است.

غزه؛ افزایش مخالفت آمریکایی‌ها با اسرائیل

جنگ غزه به یکی از عوامل مهم تغییر نگرش جامعه آمریکا نسبت به اسرائیل تبدیل شده است.

اندیشکده شورای شیکاگو در امور جهانی در گزارش پنجم اکتبر ۲۰۲۶ خود اعلام کرد میانگین ارزیابی آمریکایی‌ها از اسرائیل در مقیاس صفر تا ۱۰۰ به ۴۴ رسیده است؛ رقمی که نشان‌دهنده افزایش نگرش منفی و مخالفت با اسرائیل در افکار عمومی آمریکا و پایین‌ترین میزان در نظرسنجی‌های این مرکز از سال ۱۹۷۸ است

این مرکز تاکید می کند که مخالفت با اسرائیل در سه سال گذشته، پس از حملات هفتم اکتبر و جنگ غزه شدت گرفته و مشارکت تل آویو در جنگ مشترک با آمریکا علیه ایران نیز بر این روند تاثیر گذاشته است.

بر اساس همین گزارش، ۵۶ درصد آمریکایی‌ها معتقدند واشنگتن نباید در مناقشه اسرائیل و فلسطین جانب هیچ یک از طرفین را بگیرد. همچنین ۲۷ درصد دموکرات‌ها اکنون ترجیح می‌دهند آمریکا از موضع فلسطینی‌ها حمایت کند؛ رقمی که در نظرسنجی‌های این شورا سابقه نداشته است.

اهمیت این تحول فقط در کاهش محبوبیت اسرائیل نیست. شورای شیکاگو توضیح می‌دهد که حمایت از اسرائیل، که برای دهه‌ها یکی از محورهای نسبتا باثبات سیاست خارجی دو حزب آمریکا بود، اکنون به موضوع اختلاف جدی در میان رای‌دهندگان و رقابت‌های درون‌حزبی تبدیل شده است.

«دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا خود نیز در هشتم نوامبر بار دیگر با اعتراف به اینکه جنگ علیه ایران عامل شکست حزبش در انتخابات میان دوره ای کنگره بود، در مصاحبه مفصلی با برنامه ۶۰ دقیقه شبکه سی‌بی‌اس برغم دفاع از تصمیم خود برای تجاوز علیه ایران به رغم شکست در انتخابات میان دوره‌ای کنگره، اذعان کرد: «مردم از جنگ خوششان نمی آمد از افزایش قیمت بنزین هم ناراضی بودند.»

وی درباره دیدگاه افکار عمومی آمریکا در خصوص رژیم اسرائیل نیز اذعان کرد: «به طوری باورنکردنی، مخالفت بسیار زیادی با اسرائیل وجود دارد.»

این تغییر در فضای سیاسی دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان نیز قابل مشاهده است. بخشی از رای‌دهندگان جوان دموکرات به حمایت نظامی آمریکا از اسرائیل اعتراض دارند و در اردوگاه جمهوری‌خواهان نیز جریان مخالف مداخله نظامی و طرفداران شعار «اول آمریکا» درباره هزینه‌های حمایت از جنگ‌های خارجی پرسش‌های بیشتری مطرح می کنند.

هرمز؛ آزمون دشوار قدرت نظامی آمریکا

جنگ علیه ایران و تحولات تنگه هرمز، موضوع دیگری است که تحلیلگران آمریکایی از زاویه محدودیت‌های قدرت واشنگتن بررسی کرده‌اند.

گالستون در مقاله بروکینگز به ارزیابی‌های اطلاعاتی اشاره می کند که بر اساس آنها ایران همچنان حدود ۷۵ درصد پرتابگرهای متحرک موشکی پیش از جنگ و حدود ۷۰ درصد ذخایر موشکی خود را حفظ کرده است. او همچنین می‌نویسد ایران توانسته به بخش عمده‌ای از تاسیسات موشکی خود در اطراف تنگه هرمز دسترسی مجدد پیدا کند.

به ارزیابی این پژوهشگر، چنین وضعیتی می‌تواند عملیات اسکورت کشتی‌های تجاری توسط نیروی دریایی آمریکا را با خطر مواجه کند.

اهمیت این تحلیل در آن است که برتری نظامی آمریکا را از توانایی دستیابی به اهداف سیاسی جدا می‌کند. حتی اگر واشنگتن از نظر تسلیحاتی دست بالا را داشته باشد، تامین امنیت پایدار تنگه هرمز و بازگشت عادی جریان انرژی الزاما با یک عملیات نظامی کوتاه‌مدت محقق نمی‌شود.

از سوی دیگر، هزینه اقتصادی بحران به داخل آمریکا منتقل شده است. مرکز پژوهشی پیو در نظرسنجی اکتبر خود اعلام کرد ۷۳ درصد آمریکایی‌ها به‌شدت یا بسیار نگران افزایش قیمت بنزین و سوخت در نتیجه جنگ هستند. همچنین ۷۱ درصد درباره زخمی یا کشته شدن نیروهای آمریکایی ابراز نگرانی کرده‌اند.

جنگ چگونه به مسئله انتخابات آمریکا تبدیل شد؟

روزنامه آمریکایی کریستین ساینس مانیتور در گزارشی در ششم اکتبر ۲۰۲۶ با عنوان «جنگ، تعرفه‌ها و اسرائیل؛ سیاست خارجی ترامپ چگونه بر انتخابات میان‌دوره‌ای تاثیر می‌گذارد؟» ارتباط میان جنگ ایران و وضعیت اقتصادی رای‌دهندگان را بررسی کرده است.

این روزنامه در گفت‌وگو با دینا اسملتز، مدیر بخش افکار عمومی و سیاست خارجی شورای شیکاگو، به این نکته اشاره می کند که رای‌دهندگان بیش از گذشته ارتباط میان سیاست خارجی و وضعیت مالی خانوار خود را درک می کنند.

«جاشوا شیفرینسون»، استاد دانشگاه مریلند، نیز در این گزارش می‌گوید سیاست خارجی معمولا عامل اصلی تعیین نتیجه انتخابات نیست، اما زمانی که یک بحران بین‌المللی مستقیما بر هزینه زندگی اثر می‌گذارد، اهمیت انتخاباتی آن افزایش می‌یابد.

گزارش کریستین ساینس مانیتور توضیح می‌دهد که افزایش قیمت بنزین، مواد غذایی و کود کشاورزی، از جمله پیامدهایی است که رای‌دهندگان در زندگی روزمره خود احساس می‌کنند. به این ترتیب، جنگ ایران از یک موضوع دوردست در سیاست خارجی به عاملی در ارزیابی عملکرد اقتصادی دولت تبدیل شده است.

روزنامه وال‌استریت ژورنال نیز در تحلیل پنجم نوامبر ۲۰۲۶ خود با بررسی پیامدهای جنگ ایران و اشتباهات سیاسی دولت ترامپ، به تغییر موازنه سیاسی در واشنگتن پرداخته است.

این روزنامه افزایش هزینه‌های انرژی، نارضایتی بخشی از حامیان ترامپ و اختلاف بر سر ادامه جنگ را از عواملی می‌داند که موقعیت انتخاباتی جمهوری‌خواهان را تحت فشار قرار داده‌اند.

در همین چارچوب، نظرسنجی مشترک نیویورک‌تایمز و موسسه پژوهشی سینا در ۲۱ اکتبر ۲۰۲۶، میزان رضایت از عملکرد ترامپ را ۳۶ درصد و میزان نارضایتی را ۵۹ درصد اعلام کرد. در موضوع قیمت بنزین نیز ۷۳ درصد پاسخ‌دهندگان از عملکرد دولت ابراز نارضایتی کردند. این داده‌ها نشان می‌دهد نارضایتی اقتصادی به یکی از نقاط ضعف دولت در رقابت انتخاباتی تبدیل شده است.

شکاف در جمهوری‌خواهان و محدودیت‌های سیاسی ترامپ

یکی از مهم‌ترین بخش‌های تحلیل بروکینگز، بررسی شکاف در ائتلاف انتخاباتی ترامپ است.

گالستون توضیح می‌دهد که ائتلاف جمهوری‌خواهان در انتخابات ۲۰۲۴ از سه گروه اصلی تشکیل شده بود: طرفداران جنبش ترامپ، جمهوری‌خواهان غیرهمسو با این جنبش و بخشی از رای‌دهندگان مستقل که ترامپ را به رقیب دموکرات ترجیح داده بودند.

بر اساس ارزیابی او، جنگ با ایران اختلاف میان این گروه‌ها را تشدید کرده است. بخشی از طرفداران جریان «اول آمریکا» اساسا با ورود به جنگی جدید در خاورمیانه مخالف‌اند و معتقدند چنین جنگی با وعده‌های انتخاباتی ترامپ در تضاد است.

گالستون همچنین به موضع جی‌دی ونس اشاره می کند که پیش از آغاز جنگ با ورود آمریکا به یک درگیری نظامی جدید مخالف بود، اما پس از تصمیم ترامپ از سیاست دولت حمایت کرد. این وضعیت می‌تواند اختلافات درون جمهوری‌خواهان درباره آینده سیاست خارجی آمریکا را عمیق‌تر کند.

واشنگتن‌پست نیز در تحلیل چهارم نوامبر ۲۰۲۶ خود با بررسی پیامدهای شکست انتخاباتی ترامپ برای سیاست خارجی آمریکا، به احتمال افزایش محدودیت‌های پیش روی کاخ سفید اشاره کرده است.

این روزنامه توضیح می‌دهد که تغییر موازنه در کنگره می‌تواند نظارت بر هزینه‌های نظامی، کمک‌های تسلیحاتی به اسرائیل و تصمیم‌های دولت درباره ادامه درگیری‌ها را افزایش دهد.

از سوی دیگر، افزایش قدرت نظارتی مخالفان دولت در کنگره می‌تواند بر تصمیم‌های نظامی و بودجه‌ای کاخ سفید تاثیر بگذارد. استفاده از قانون اختیارات جنگی، بررسی هزینه عملیات نظامی و مطالبه مجوز کنگره برای ادامه درگیری، از جمله ابزارهایی است که در تحلیل بروکینگز مورد توجه قرار گرفته‌اند.

البته این تحولات به معنای پایان اختیار نظامی رئیس‌جمهور آمریکا نیست؛ اما نشان می‌دهد ادامه یا گسترش جنگ می‌تواند با هزینه سیاسی و اقتصادی بیشتری همراه باشد.

واشنگتن‌پست در عین حال هشدار می‌دهد که ترامپ به رغم تضعیف موقعیت انتخاباتی رئیس‌جمهور همچنان از اختیارات گسترده‌ای در سیاست خارجی برخوردار است و شکست در عرصه داخلی لزوما رفتار او در عرصه بین المللی را قابل پیش‌بینی نمی کند.

جنگی با پیامدهای فراتر از میدان نبرد

مجموع تحلیل‌های بروکینگز، شورای شیکاگو، مرکز پژوهشی پیو، کریستین ساینس مانیتور، وال‌استریت ژورنال، واشنگتن‌پست و داده‌های نظرسنجی نیویورک‌تایمز نشان می‌دهد جنگ‌های خاورمیانه به یکی از متغیرهای موثر بر سیاست داخلی آمریکا تبدیل شده‌اند.

جنگ غزه به افزایش مخالفت با اسرائیل و اختلاف بر سر حمایت نظامی واشنگتن از تل آویو دامن زده است. جنگ علیه ایران هزینه‌های اقتصادی و سیاسی مداخله نظامی را افزایش داده و بحران هرمز محدودیت‌های تبدیل برتری نظامی آمریکا به دستاورد سیاسی را آشکار کرده است.

البته انتخابات و تغییر موازنه سیاسی در واشنگتن را نباید به معنای پایان جنگ دانست؛ اما این تحولات نشان می‌دهند ادامه سیاست جنگی ترامپ با محدودیت‌های سیاسی، اقتصادی و نهادی بیشتری روبه‌رو شده است.

اکنون مسئله فقط توان نظامی آمریکا برای ادامه جنگ نیست؛ میزان تحمل جامعه آمریکا و ظرفیت سیاسی دولتمردان کنونی واشنگتن برای پرداخت هزینه‌های آن نیز اهمیت دارد.

تحلیلگر عراقی:

همکاری‌های اطلاعاتی با آمریکا خطرات زیادی دارد

تحلیلگر امور امنیتی عراق نسبت به خطرات همکاری های اطلاعاتی با آمریکا هشدار داد.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از شفق نیوز، صادق عبدالله کارشناس امور امنیتی عراق تاکید کرد که گروه های مقاومت در این کشور رکن مهم تقویت ثبات داخلی را تشکیل می دهند. این



گروه ها به ویژه بعد از حوادث سال ۲۰۱۴ و توطئه بزرگ علیه عراق برای تحویل دادن کشور به گروهک های تروریستی با هماهنگی آمریکا نقش مهمی ایفا کردند.

وی اضافه کرد: باید با این گروه ها به عنوان سازمان ها و نهادهای ملی به دور از دیکته های خارجی به ویژه خواسته های آمریکا، برخورد کرد.

صادق عبدالله تصریح کرد: همکاری های اطلاعاتی با آمریکا خطرات زیادی دارد به ویژه آن که این کشور ثابت کرده با مسئله امنیت بر اساس منافع خود و رژیم صهیونیستی به دور از منافع ملت های دیگر برخورد می کند.

وی بیان کرد: باید نسبت به هر تحرکی علیه رهبران مقاومت و گروه های اسلامی در عراق به بهانه انحصاری کردن سلاح هوشیار بود. این روند باید کاملا در داخل کشور و بر اساس یک چشم انداز ملی به دور از دستورات آمریکا پیش برود.

نماینده منتخب کنگره آمریکا:

پایان دادن به جنگ علیه ایران اولویت نخست من است

«نانسی لاکور» نماینده منتخب دموکرات مجلس نمایندگان آمریکا از ایالت کارولینای جنوبی در اظهاراتی پایان دادن به جنگ تجاوزکارانه ایالات متحده علیه ایران را یکی از نخستین اولویت‌های خود پس از آغاز به کار در کنگره آمریکا اعلام کرد.

به گزارش ایرنا، لاکور در گفت وگو شبکه خبری سی‌بی‌اس با اشاره به پیامدهای اقتصادی جنگ گفت: اولین موضوعی که از همان روز نخست بر آن تمرکز خواهم کرد، پایان دادن به این جنگ است زیرا این جنگ هزینه‌ها را در سراسر حوزه انتخابیه من و کشور به شدت افزایش داده است.

وی افزود: همچنین باید بازنگری در تعرفه‌های تجاری دولت ترامپ را در دستور کار قرار دهیم چرا که این تعرفه‌ها هزینه‌های مختلف از جمله هزینه ساخت مسکن را افزایش داده‌اند.

لاکور در ادامه با انتقاد از عملکرد وزیر جنگ آمریکا، تصریح کرد: پیت هگست باید به جای تمرکز بر مسائل حاشیه‌ای، بر تدوین راهبرد نظامی و افزایش آمادگی نیروهای مسلح تمرکز کند.

این نماینده منتخب دموکرات که پیش از ورود به عرصه سیاست دریاسالار نیروی دریایی آمریکا بود، با اشاره به اینکه توسط هگست اخراج شد، اظهار کرد: وقتی در آگوست ۲۰۲۵ از سمت خود برکنار شدم، هرگز دلیلی برای این تصمیم به من اعلام نشد.

لاکور خاطرنشان کرد: فکر نمی‌کنم به دیگر ژنرال‌ها و دریادارانی که برکنار شدند نیز دلیلی ارائه شده باشد.

به گزارش ایرنا، «الیزابت وارن» سناتور دموکرات از ایالت ماساچوست پیش‌تر در اظهاراتی با انتقاد از جنگ تجاوزکارانه ایالات متحده علیه ایران، تاکید کرد که مردم آمریکا خواستار پایان دادن به این جنگ هستند.

وارن در مصاحبه با شبکه خبری سی‌بی‌اس گفت: با توجه به اکثریت دموکرات‌ها در هر دو مجلس کنگره، ابزارهای بسیار متنوعی برای پایان دادن به جنگ در دسترس است.

وی همچنین با اشاره به اینکه فشارها برای پایان دادن به جنگ تجاوزکارانه ایالات متحده علیه ایران در حال افزایش است، افزود: مردم آمریکا خواستار پایان دادن به این جنگ هستند.

این سناتور آمریکایی در ادامه با بیان اینکه مردم آمریکا نمی‌خواهند مالیات‌های آنها در راه جنگ تجاوزکارانه علیه ایران هزینه شود، تاکید کرد: آنها خواستار کاهش قیمت بنزین، نفت گرمایشی و سوخت هستند چرا که می‌خواهند اقتصاد آمریکا دوباره به کار بیفتد و رونق بگیرد.

وی همچنین با اشاره به نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا، یادآور شد: این دموکراسی است، مردم آمریکا حرف خود را زده‌اند و زمان آن رسیده است که به خواسته آنها عمل کنیم.

وارن در ادامه خاطرنشان کرد: این یک جنگ غیرقانونی است که دولت ترامپ تا امروز نتوانسته است درباره اهداف خود از آغاز این جنگ توضیح دهد یا بگوید که چه برنامه‌ای برای خروج از آن دارد.

آسوشیتدپرس:

۶۰۰ کماندوی سوری هفته آینده به عربستان اعزام می‌شوند

خبرگزاری آسوشیتدپرس مدعی استقرار صدها نیروی کماندوی سوری در عربستان سعودی شد.

به گزارش تسنیم، خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از یک مقام سوری از توافق دمشق و ریاض برای استقرار صدها نیروی کماندوی سوری در عربستان سعودی خبر داد.

بر اساس گزارش این خبرگزاری، حدود ۶۰۰ تن از نیروهای ویژه سوریه طی هفته آینده وارد خاک عربستان سعودی خواهند شد.

دولت سعودی به عنوان پیش‌شرط قطعی اعلام کرده است که تمام عناصر اعزامی باید اصالتاً تبعه سوریه باشند و هیچ گونه جنگجوی خارجی در میان آن‌ها حضور نداشته باشد.

۳۶ مقام بلندپایه نظامی حکومت جولانی پیش‌تر با سفر به شهر جده، ضمن بازدید از اتاق فرماندهی و عملیات مشترک، از مناطق عملیاتی و جبهه‌های جنگ دیدن کردند.

پولیتیکو:

اروپایی‌ها دیگر به آمریکا اعتماد ندارند

روزنامه پولیتیکو به بی اعتمادی کشورهای اروپایی نسبت به آمریکا و اقدام ۲ کشور در برابر ترامپ اشاره کرد.

به گزارش خبرگزاری مهر، روزنامه پولیتیکو به نقل از منابع آگاه گزارش داد که مقامات فنلاندی و نروژی طی ماه‌های گذشته انجام گفتگوی تلفنی با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه را بررسی کرده اند.

بر اساس این گزارش، مقامات کشورهای مذکور به دنبال گفتگوی مشترک با پوتین هستند چرا که معتقدند این روند باید قبل از آغاز مذاکرات جنگ اوکراین در ابوظبی صورت پذیرد.در این گزارش آمده است که کشورهای اروپایی دیگر به آمریکا در خصوص مسئله حمایت از منافع این کشورها و اوکراین اعتمادی ندارند.

یک مسئول برجسته اروپایی نیز گفت که این مسئله مهم است که ترامپ تنها رهبر غربی که با پوتین گفتگو می کند نباشد.قرار مذاکرات ابوظبی روزهای ۱۰ و ۱۱ نوامبر کنونی پشت درهای بسته در خصوص تضمین های امنیتی جنگ اوکراین برگزار شود.